

مبارزه علیه تروریسم و نقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر توسط کشورهای اروپایی با تأکید بر عملکرد انگلستان و اسپانیا

رضا موسی‌زاده^۱
زهرا عربستانی^۲

چکیده: تروریسم در همه اشکال و مظاهر به منزله تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی به‌شمار می‌رود که مبارزه با آن رعایت استانداردهای حقوق بشری را می‌طلبد. عدالت کیفری و رعایت اصول حقوق بشر در مبارزه با تروریسم، نقش بسیار مهمی در تأثیرگذاری اقدامات کشورها در مبارزه علیه تروریسم ایفا می‌کند. در کشورهایی نظیر انگلستان و اسپانیا که بیش از ۵۰۰۰ نفر زندگی خود را در اثر حملات تروریستی از دست داده‌اند، رویکرد قانونی و اجرایی در قبال تروریسم از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. برخورد با اقدامات تروریستی در انگلستان به شکل قوانین ضدتروریستی مجزا و در اسپانیا در قالب قوانین کیفری و آئین دادرسی کیفری در برخورد با مظنونین تروریستی، منجر به نقض اصول و حقوق تضمین شده افراد مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شده است. با توجه به یافته‌های تحقیق رکن اصلی و مؤثر در مبارزه علیه تروریسم اجرای همزمان تعهدات و اصول حقوق بشری مندرج در کنوانسیون مذکور می‌باشد و بر این اساس در مقاله، اقدامات ضدتروریستی انگلستان و اسپانیا که مدعی و سردمدار حمایت از حقوق بشر می‌باشند به‌عنوان الگویی که در اعمال و اجرای قوانین بدون توجه به اصول و مقررات حقوق بشری به بهانه حفظ امنیت ملی سیاست دو گانه‌ای را اتخاذ کرده‌اند، مورد بررسی و مذاقه قرار می‌گیرند.

واژگان کلیدی: مبارزه علیه تروریسم، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، انگلستان، اسپانیا.

۱. دکتر رضا موسی‌زاده، دانشیار دانشکده روابط بین‌الملل rmousazadeh@yahoo.com

۲. خانم زهرا عربستانی، کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل arabestanizahra26@yahoo.com

مقدمه

تروریسم پدیده جدیدی در کشورهای اروپایی به‌ویژه برای انگلستان و اسپانیا که تا پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر درگیر حملات تروریستی داخلی ایرلند شمالی و باسک بوده‌اند نمی‌باشد. اما این واقعه نقطه عطفی در کشورهای اروپایی به جهت ماهیت متفاوت و جنبه بین‌المللی آن به سمت‌گیری اقدامات جدی در مبارزه علیه تروریسم محسوب می‌گردد، زیرا پس از آن اروپا شاهد اقدامات تروریستی مادرید ۲۰۰۴، لندن ۲۰۰۵ و بمب‌گذاری فرودگاه بین‌المللی گلاسگو در ۲۰۰۷ بود و این اقدامات حکایت از این امر می‌کرد که اروپا یکی از اهداف اصلی تروریست‌ها قرار گرفته است. کشورهای اروپایی علی‌رغم عضویت در کنوانسیون‌های حقوق بشری و درخواست از سایر دولت‌ها به پیروی از اصول و استانداردهای حقوق بشری، زمانی که خود در وضعیت "فوق‌العاده" و "استثنایی" قرار می‌گیرند به نام مبارزه با تروریسم مقررات بنیادین حقوق بشری را نقض می‌نمایند. فی‌الواقع کشورهای اروپایی نقض اصول و قواعد حقوق بشری چون نقض حق آزادی و امنیت، حق دادرسی منصفانه، اصل براءت، اصل منع شکنجه و بدرفتاری، حفظ منافع و امنیت ملی را با استناد به ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر توجیه می‌نمایند. در ماده ۱۵ کنوانسیون "وضعیت اضطراری عمومی" می‌تواند مبنایی برای عدول دولت‌های اروپایی از مقررات حقوق بشری کنوانسیون قرار گیرد. تروریسم یکی از همان موقعیت‌هایی را فراهم می‌کند که دولت را در وضعیت فوق‌العاده قرار داده و مکلف به حمایت از زندگی اشخاص تحت صلاحیت خود می‌کند.

ماده ۲ اصول راهنمای شورای اروپا در مورد حقوق بشر و مبارزه با تروریسم مقرر می‌دارد: "تمامی اقدامات اتخاذی دولت‌ها در مبارزه علیه تروریسم باید با احترام به حقوق بشر، اصل حاکمیت قانون و مستثنی از هر خودسری و هر نوع رفتار تبعیض‌آمیز یا نژادی بوده و تابع نظارت مناسبی باشد" (Council of Europe, 2002: Art.2) و دولت‌ها متعهدند که اقدامات تروریستی را در قوانین و مقررات خود پیش‌بینی نمایند و با توجه به شدت اعمال مجرمانه مجازات متناسب را برای آن‌ها معمول دارند، در ارتباط با تحقیقات جنایی و سایر مراحل رسیدگی کیفری و کسب شواهد موجود و سایر معاضدت‌های قضایی که برای جریان محاکمه ضروریست همکاری داشته باشند و اقدامات لازم را برای حمایت از حقوق اساسی بشر به‌ویژه حق حیات در جهت مبارزه علیه تروریسم تحت صلاحیت خود به عمل آورند. همه اقدامات دولت‌ها در مبارزه با تروریسم باید منطبق با قانون باشد و زمانی که محدودیتی در حوزه حقوق بشر ایجاد می‌گردد باید دقیقاً در حد لازم و متناسب با هدفی باشد که دنبال می‌گردد (Council of Europe, 2007: 296). مسئله بنیادین در این راستا این است که آیا

مبارزه علیه تروریسم توسط کشورهای اروپایی به ویژه انگلستان و اسپانیا مستلزم عدم رعایت تمام یا بخشی از قواعد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است و اعلام وضعیت فوق العاده و ادعای به مخاطره افتادن حیات ملی می تواند توجیهی بر نقض قواعد حقوق بشری باشد؟ گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد مارتین اشنین^۱ در ۲۶ اکتبر ۲۰۱۰ بیان می دارد: "ارکان اصلی هر استراتژی پایدار و مؤثر برای مبارزه با تروریسم حمایت و توسعه حقوق بشر است و دامنه نفوذ و اجرای قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت بر دولت‌ها در جهت مبارزه علیه تروریسم بدون محدودیت زمان و مکان است" (Global Security, 2010).

هدف این مقاله تبیین جایگاه مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در مبارزه علیه تروریسم و بررسی عدم انطباق قوانین در کشورهای مذکور با توجه به پرونده‌های بررسی شده در دیوان اروپایی حقوق بشر و گزارش‌های حاصله از نقض حقوق بشر در حین مبارزه با تروریسم توسط سازمان‌های حقوق بشری می باشد.

۱. اقدامات ضد تروریستی پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر در انگلستان و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

حوادث تروریستی در انگلستان را می توان از دو بُعد پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر و پس از آن مورد توجه قرار داد. انگلستان از جمله کشورهای غربی می باشد که سال‌های متمادی درگیر حملات مبارزان ایرلند شمالی بوده و تا پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بیشتر قوانین خود را معطوف به سرکوب و پاسخ به این اعمال نموده است. لیکن در سطح داخلی با وضع قوانین ضد تروریستی به بهانه حفظ امنیت ملی به گونه‌ای الزامات حقوق بشری را نادیده گرفته است. در راستای مبارزه با تروریسم قوانین و مقررات موضوعه کشوری باید منطبق با اصول و استانداردهای حقوق بشری و عدم دخالت در حریم خصوصی افراد باشند. اگرچه اسناد حقوق بشری از جمله کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در وضعیت اضطراری اعمال برخی محدودیت‌ها را اجازه داده، اما این محدودیت‌ها باید ضروری و موجه باشند، بدین معنا که محدودیت باید براساس قانون و به منظور رسیدن به هدف مشروع مطابق با اصل تناسب بوده و از حیث زمانی به طور نامحدود اعمال نگردد. ضمناً هرگونه محدودیت باید با دیگر حقوق تضمین شده در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر منطبق باشد (Martin Schenin, 2009: 8).

1. Martin Schenin.

الف) پیشینه قانون‌گذاری انگلستان در خصوص مبارزه علیه تروریسم

پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر اکثر اقدامات قانونی انگلستان در خصوص تروریسم مربوط به اقدامات تروریستی در ایرلند شمالی بوده است. نقطه آغاز حرکت تروریسم ایرلندی منتسب به ارتش جمهوری‌خواه ایرلند با بنیان‌گذاری سپاه داوطلبان ایرلند در سده هجدهم می‌باشد. در واقع، سازمان‌هایی چون ارتش آزادی‌بخش ملی ایرلند (INLA)^۱ و ارتش جمهوری‌خواه ایرلند (IRA)^۲ خواستار جدایی ایرلند شمالی از انگلستان بودند. پارلمان بریتانیا برای پاسخ به حملات تروریستی چندین قانون را به تصویب رساند که شاخص‌ترین آن، "قانون مقررات اضطراری ایرلند شمالی" (EPA)^۳ در سال ۱۹۷۳ می‌باشد که ابتدا صرفاً در ایرلند شمالی قابل اجرا بود و تأثیر این قانون حذف حق محاکمه توسط هیأت منصفه برای برخی جرایم خاص از قبیل قتل، بمب‌گذاری و سرقت مسلحانه بود و افرادی که برای چنین جرایمی در ایرلند شمالی دستگیر می‌شدند تنها توسط یک قاضی مورد محاکمه قرار می‌گرفتند. در این قانون به پلیس و ارتش برای دستگیری افراد مظنون به فعالیت‌های تروریستی اختیارات وسیعی اعطا شده بود (Breau, 2010: 2). با افزایش فعالیت‌های ارتش جمهوری‌خواه ایرلند در نقاط مختلف انگلستان، به‌ویژه با آغاز بمب‌گذاری در بیرمنگام ۱۹۷۴، پارلمان به تصویب قانونی قابل اعمال در سرتاسر بریتانیا اقدام نمود و "قانون پیش‌گیری از تروریسم" (PTA)^۴ را در سال ۱۹۷۴ به تصویب رساند. از مهم‌ترین اختیاراتی که در این قانون برای پلیس در نظر گرفته شده بود، صلاحیت بازداشت اشخاص مظنون به اعمال تروریستی برای هفت روز بدون نیاز به موافقت قضایی بود. این امر با رویه کیفری معمول که بازداشت برای ۴۸ ساعت را مجاز دانسته در تضاد (Dorling, 2007: 4) بود. این رویه تخطی از ماده ۵ (۳) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مبنی بر فوریت دسترسی شخص دستگیر یا بازداشت شده به مقام قضایی می‌باشد. در این قانون نیز عضویت در برخی از سازمان‌های خاص جرم محسوب شده و دولت اختیار جلوگیری از جابجایی افراد را بدون نیاز به اخذ دستور مقام قضایی داشت. برای مثال، با تصمیم دولت، فردی که در ایرلند شمالی ساکن بود نمی‌توانست به اسکاتلند سفر کند (Breau, 2010: 4). پس از این قانون، قوانین دیگری چون قانون پیش‌گیری از تروریسم ۱۹۸۹^۵، قانون مقررات اضطراری

1. Irish National Liberation Army

2. Irish Republican Army

3. Emergency Provisions Act (1973)

4. Prevention Terrorism Act (1974)

5. The Prevention of Terrorism Act 1989.

ایرلند شمالی ۱۹۹۶^۱، قانون عدالت کیفری (تروریسم و توطئه) ۱۹۹۸^۲ و قانون تروریسم ۲۰۰۰^۳ به تصویب رسیدند. اما پیش از هر چیز، آشنایی با مفهوم "تروریسم" و تعاریف ارائه شده از این مفهوم در قوانین انگلستان ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به بحث برانگیز بودن اختیارات گسترده پلیس در قانون تروریسم ۲۰۰۰ و تعارض آن با مواد مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، در ابتدا به تعریف ارائه شده از "تروریسم" در قانون اخیر پرداخته می‌شود.

(ب) تعریف تروریسم در قانون ۲۰۰۰ انگلستان (TA)

این قانون در تعقیب و بازداشت اشخاص مرتکب جرایم خاص و مظنون به تروریسم در ایرلند شمالی و حفظ صلح و بقای نظام در ۲۰ جولای ۲۰۰۰ مورد تصویب پارلمان قرار گرفته و بدین ترتیب جایگزین قوانین ضد تروریسم انگلستان مورخ ۱۹۸۹ و ۱۹۹۶ گردید. در این قانون، تروریسم در مفهومی گسترده و وسیع تعریف شده که برای همه قوانین آتی انگلستان به عنوان یک استاندارد به کار رفته است.

طبق بخش اول قانون تروریسم ۲۰۰۰، تروریسم عبارتست از: انجام عمل یا تهدید به انجام عملی تروریستی که مشتمل بر خشونت جدی علیه اشخاص، خسارت جدی بر اموال، ایجاد خطر برای سلامت و رفاه عمومی باشد و این عمل به گونه‌ای طراحی شده باشد که با اختلال در سیستم الکترونیک، تأثیرگذار بر دولت و منجر به ارباب عمومی برای پیشبرد اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک گردد (Terrorism Act 2000: Part 1, Sec. 1).

در این تعریف عمل اشخاص بر پایه انگیزه سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک تعریف شده است و پایه آن جدیت بر یک عمل کیفری نیست. سازمان عفو بین‌الملل بارها از وسعت و ابهام تعریف تروریسم ابراز نگرانی کرده است چرا که این ابهام منجر به سوءاستفاده پلیس از اختیارات قانونی خود و به‌کارگیری شیوه‌هایی علیه اشخاص می‌گردد که این برخلاف حق آزادی و امنیت اشخاص است (Amnesty International, 2006: 10).

1. The Northern Ireland Emergency Provisions Act 1996.
2. The Criminal Justice (Terrorism and Conspiracy) Act 1998.
3. Terrorism Act 2000.

ج) نقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در اثر سیستم ایست و بازرسی مقرر در قانون ۲۰۰۰ انگلستان

قانون ۲۰۰۰ با پیش‌بینی "سیستم ایست و بازرسی"^۱ به‌طور گسترده‌ای حقوق افراد را نادیده انگاشته است، بدین صورت که در بخش ۴۴ قانون مذکور، ایست و بازرسی هرگونه وسیله نقلیه، راننده وسیله نقلیه، مسافران، آنچه در و یا بر روی وسیله نقلیه و توسط مسافران حمل می‌شود و نیز توقف و بازرسی عابران پیاده را بدون وجود ظن معقول در مناطق مشخص شده (مناطق امنیتی) برای پلیس فراهم نموده است (Terrorism Act 2000, part 5, sec. 44). اصولاً استفاده از این اختیار نیاز به اخذ مجوز توسط افسر ارشد پلیس و تأییدیه وزیر کشور ظرف مدت ۴۸ ساعت دارد و ضمناً باید در مناطق جغرافیایی که احتمال خطر فعالیت‌های تروریستی وجود دارد اعمال گردد و محدودیت زمانی آن ۲۸ روز است (Human Rights Watch, 2010:18). دیده‌بان حقوق بشر نیز با بررسی بخش ۴۴ قانون تروریسم ۲۰۰۰ انگلستان آن را نقض حقوق بشر قلمداد می‌کند و با ارزیابی آمار ایست و بازرسی نشان می‌دهد که بیشتر سیاه‌پوستان جنوب شرقی آسیا نسبت به سفیدپوستان در معرض توقف قرار گرفتند و این بخش را نقض تعهدات حقوق بشری انگلستان می‌داند و در این زمینه توصیه‌هایی چون لغو بخش ۴۴ قانون و به‌کارگیری اختیارات ایست و بازرسی در مبارزه علیه تروریسم در مواردی که همراه با سوءظن معقول باشد را می‌نماید (Human Rights Watch, 2010). بخش ۴۴ قانون اگرچه با هدف قانونی برای حمایت عموم از تهدیدات تروریستی شکل گرفته است، اما مفاد آن با برخی حقوق حمایت شده در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در تعارض می‌باشد. در واقع، دستور ایست و بازرسی اشخاص بدون سوءظن معقول به تروریست بودن، زمینه را برای مداخله در حریم خصوصی افراد فراهم می‌کند و نیز بازرسی در مکان‌های عمومی منجر به تحقیر افراد به علت افشای اطلاعات شخصی در دید عموم می‌گردد. آنچه به درستی این امر را تصدیق می‌کند "پرونده گیلان و کوینتون" می‌باشد که مطابق با این قانون با آن‌ها برخورد شده است. آن‌ها در

۱. اختیار ایست و بازرسی برای اولین بار در قانون تکدی‌گری ۱۸۲۴ و قانون پلیس متروپولیتن ۱۸۳۹ نسبت به اشخاص مظنون به ارتکاب جرایم و حمل کالاهای به سرقت رفته پیش‌بینی شد. سپس در قانون پلیس و ادله کیفری ۱۹۸۴ به افسر پلیس در صورت داشتن ظن معقول مبنی بر حمل اموال و اشیای مسروقه و یا ممنوعه توسط یک شخص اختیار توقف و بازرسی و ضبط اموال و اشیای اعطا شد و این اشیای شامل سلاح‌های تهاجمی و وسایلی که برای ارتکاب جرایم کاربرد دارد و متعاقباً نیز این اختیارات در مقررات موقتی قانون ۱۹۸۹ و قانون پیش‌گیری از تروریسم ۱۹۹۶ پیش‌بینی شدند.

راه خود در تظاهرات دکلند لندن در سپتامبر ۲۰۰۳ توسط پلیس مورد ایست و بازرسی قرار گرفتند. سپس از دادگاه برای غیرقانونی بودن اختیار توقف و بازرسی صورت گرفته تقاضای رسیدگی قضایی نمودند. دادگاه در ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ تقاضا را رد و اظهار نمود: بخش ۴۴ قانون توسط پارلمان پیش‌بینی شده و ممکن است کل منطقه برای پاسخ به فعالیت‌ها و تهدیدات تروریستی از پلیس پوشش داده شود و این اختیارات با توجه به خطرات تروریستی در لندن صورت گرفته و مجوز آن توسط وزیر کشور تأیید و این عمل خارج از حدود اختیارات قانونی نیست: (Gillan and Quinton V. the UK, 2010). paras 10-11 در ۲۹ جولای ۲۰۰۴ دادگاه تجدید نظر با بررسی موضوع بیان داشت: در این پرونده قانون تحت انتقاد است، نه مجوز. البته این قانون خودسرانه نیست چرا که مأمور پلیس از اختیارات تفویض شده برای پیش‌گیری از تروریسم استفاده می‌نماید و این کاملاً یک سیستم کنترل شده می‌باشد (Gillan and Quinton V. the UK, 2010). Para. 14. نهایتاً در ۸ مارس ۲۰۰۶ مجلس لرها درخواست متقاضیان را به اتفاق آرا رد کردند و متقاضیان برای احقاق حق به دیوان اروپایی حقوق بشر دادخواست دادند که حکم این پرونده در ژانویه ۲۰۱۰ توسط دیوان صادر شد و دیوان استدلال نمود: "بخش ۴۴ قانون ناقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱ است، بدان جهت که به پلیس اختیارات وسیعی برای ایست و بازرسی اشخاص اعطا شده و این با حمایت قانونی که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در برابر مداخلات خودسرانه مقامات دولتی به عمل آورده در تضاد است و این امر برخلاف اصول یک جامعه دموکراتیک می‌باشد. در نتیجه قانون باید به وضوح کافی دامنه اختیارات مقامات صالحه را مشخص نماید" (Gillan and Quinton V. the UK, Para. 77). سازمان عفو بین‌الملل نیز با بررسی بخش ۴۴ قانون تروریسم ۲۰۰۰ انگلستان بیان نمود در هر زمان باید به‌کارگیری اختیارات ایست و بازرسی با حق آزادی اشخاص و حق حریم خصوصی که در مواد ۵ و ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در قبال هرگونه سوءاستفاده حمایت‌شده در تعادل و توازن باشد و برای چنین اختیاراتی باید تدابیر احتیاطی که مشمول دلایلی بر سوءظن معقول به این که شخص مرتکب جرم شده قبل از هرگونه اقدامی، اتخاذ شود. در عوض، این قانون به مأموران پلیس اختیار ایست و بازرسی وسایل نقلیه و عابران پیاده را به‌طور تصادفی

۱. ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: ۱. هر کس حق دارد که حرمت زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و مکاتبات وی حفظ شود. ۲. مرجع عمومی نباید هیچ مداخله‌ای در اعمال این حق کند، مگر آنچه طبق قانون باشد و در جامعه دموکراتیک به جهت مصالح امنیت ملی، سلامت عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، حفظ نظم و پیش‌گیری از جرایم، حمایت از بهداشت یا اخلاقیات، یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران لازم می‌باشد.

برای کالاهایی که می‌توانند در ارتباط با تروریسم به کار روند، داده است که این‌گونه اختیارات با تعهدات حقوق بشری انگلستان براساس حقوق بین‌الملل انطباق ندارد بلکه نقض حق آزادی، حریم خصوصی، آزادی بیان و آزادی از بازداشت خودسرانه است و این سیستم اساساً شیوه‌ای تبعیض‌آمیز و پرخطر می‌باشد که بیشتر نسبت به اقلیت‌های قومی و نژادی اعمال می‌شود (Amnesty International, 2010: 11). کمیسیون اروپایی مبارزه علیه تبعیض نژادی معتقد است بخش ۴۴ قانون تروریسم انگلستان که بیشتر اعضای اقلیت‌های قومی را تحت‌تأثیر قرار داده باید متوقف گردد (Human Rights Watch, 2010: 5). همه این موارد و گزارش‌ها حاکی از این است که تفاوت‌های رفتاری غیرقابل‌توجیه با اشخاص، در این قانون براساس صفت خاص نظیر نژاد، قومیت و مذهب صورت گرفته و اصل عدم تبعیض نادیده انگاشته شده است.

۲. اقدامات ضد تروریستی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در انگلستان و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، انگلستان در راستای مبارزه با تروریسم به اشکال مختلفی از خود واکنش نشان داده است. برای مثال، حمایت نظامی از اعمال ایالات متحده در افغانستان و همکاری با شرکای اروپایی خود به منظور کاهش حمایت از گروه‌های تروریستی و دسترسی آن‌ها به منابع مالی (Breau, 2010: 1). اما با گسترش انواع تروریسم، انگلستان هم به طور خاصی هدف تروریست‌های بین‌المللی قرار گرفت و تعداد قابل توجهی از افراد در این ارتباط دستگیر گردیدند. اولین عضو القاعده در بریتانیا "ریچارد رید"^۱ شناخته شد که معروف به بمب‌گذار کفشی^۲ است و فرد دیگر "کمال بورگاس"^۳ در ژانویه ۲۰۰۳ در آپارتمانی در وود گرین لندن دستگیر و سپس به هفده سال حبس محکوم گردید (Clarke, 2009: 44-45). اما شخص دیگر "عمر التمیمی"^۴ به

1. Richard Reid.

او متهم شد که با استفاده از مواد منفجره‌ای که در کفش‌هایش جاسازی کرده بود، قصد انفجار بوئینگ ۷۶۷ خطوط هوایی آمریکا از پاریس به میامی را داشته است.

2. Shoe Bomber.

3. Kamel Bourgass.

بورگاس و ۸ نفر دیگر به جرایم مربوط به طراحی و تولید یک سلاح شیمیایی برای استفاده در حملات تروریستی متهم شدند. اگرچه آن‌ها نتوانسته بودند ریسین (نوعی سم) مؤثری را در آزمایشگاه خود در وودگرین تولید کنند اما قصد و نیت اتهامی آن‌ها برای انهدام خطوط راه‌آهن هیترو خطرناک بود.

4. Omar Altimimi.

ظن پول شویی در مارس ۲۰۰۶ دستگیر شد و اغلب اطلاعات به دست آمده در منزل وی مرتبط به یک سایت اینترنتی القاعده که دارای رمز عبور سری برای اعضا می باشد، کشف شد که در سال ۲۰۰۷ در دادگاه سلطنتی منچستر با ۶ فقره جرم در ارتباط با در اختیار داشتن لوازم مرتبط با اهداف تروریستی، مورد دادرسی قرار گرفت و به نه سال زندان محکوم گشت (Clarke, 2009: 4). همچنین، در ۷ جولای ۲۰۰۵، بمب گذاری در متروی لندن به عنوان نقطه عطفی از اقدامات ضد تروریستی دولت محسوب می گردد. این وقایع نمونه بارزی از اقدامات تروریستی در انگلستان محسوب می گردند که پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ اتفاق افتاده و واکنش پارلمان انگلستان در برخورد با تروریست ها منجر به تصویب قوانین ضد تروریستی سخت و شدیدی طی سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ شد. برخی از مفاد این قوانین به جهت تعارض با مواد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بحث برانگیز است که ذیلاً به آن ها پرداخته می شود.

الف) قانون ضد تروریسم ۲۰۰۱ انگلستان (ATCSA)^۱ و موارد نقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

حادثه ۱۱ سپتامبر نقطه عطفی در قانون گذاری انگلستان در خصوص تروریسم بین الملل محسوب می گردد. در پی حادثه مذکور پارلمان انگلستان قانون ۱۴ دسامبر ۲۰۰۱ را به تصویب رساند. در قانون مذکور اعمال بازداشت نامعین بر اساس بخش ۲۳ قانون در مورد اتباع بیگانه مظنون به ارتباط با گروه های القاعده و اسامه بن لادن با تأییدیه وزیر کشور در شرایط امنیتی بالا مهم ترین نقض مقررات حقوق بشری محسوب می گردد به طوری که بخش مذکور مغایر با ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بوده است. در ماده ۵ فهرستی از مواردی که دولت ها در چارچوب آن می توانند یک بازداشت قانونی نسبت به افراد اعمال کنند را بیان نموده است که یکی از این موارد بازداشت اشخاصی که علیه آن ها اقداماتی جهت اخراج یا استرداد در جریان است، می باشد.^۲ این مجوز برای گسترش بازداشت نامحدود کافی نیست بلکه باید روند اخراج یا استرداد نیز وجود داشته باشد. به نظر می رسد این ماده کنوانسیون برای حمایت اشخاص در برابر بازداشت های نامحدود و طولانی مدت باشد، که رویه انگلستان کاملاً در تضاد با این ماده قرار گرفته است، زیرا که بخش ۲۳ قانون، اختیار بازداشت نامحدود و نامعین را برای وزیر کشور

1. Anti Terrorism, Crime and Security Act 2001.

۲. ماده ۵ (۱) (و) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: دستگیری یا بازداشت قانونی شخص جهت جلوگیری از ورود غیرقانونی وی به کشور یا بازداشت اشخاصی که علیه آنان اقداماتی جهت اخراج یا استرداد در جریان است.

فراهم نموده است (ATCSA, 2000: Par t4, Para. 23). آنچه به عنوان بازداشت نامحدود تلقی می‌گردد، بازداشتی است که شخص بی آنکه از حق آگاهی و توجیه شدن نسبت به قانونی بودن بازداشت خود نزد یک مقام صلاحیت‌دار قضایی برخوردار باشد، توسط مقامات و مأموران اجرای قانون به منظور کسب اطلاعات و یا به دلیل حضور پر خطر و تهدیدکننده امنیت ملی به طور نامحدودی تحت بازداشت قرار می‌گیرد به گونه‌ای که امکان دسترسی و ارتباط با وکیل و خانواده خود را ندارد (DeZayas, 2005: 16-17). دولت انگلستان با استناد به ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به تعلیق برخی از تعهدات مندرج در کنوانسیون می‌پردازد، این در حالی است که ماده ۱۵ تعلیق از تعهدات کنوانسیون را در شرایط محدودی چون جنگ یا وضعیت اضطرار عمومی دیگر که حیات ملت را تهدید می‌کند اجازه داده که تعلیق از طرف انگلستان تنها به منظور شناسایی تهدید موجود از جانب اتباع خارجی حاضر در انگلستان و مظنون به دخالت در تروریسم بین‌الملل است (Hanlon, 2007: 485). در این صورت خطری که از جانب اتباع بریتانیایی امنیت ملی را تهدید می‌کند در نظر گرفته نشده است و این تبعیض برخلاف ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱ است که اعمال تبعیض را ممنوع نموده است. ضمناً این گونه بازداشت با بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که مهلت معقول را مد نظر قرار داده در تعارض است. دیوان اروپایی حقوق بشر بازداشت بدون نظارت مقام قضایی را برای بیش از چهار روز و شش ساعت ناقض موازین مندرج در ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌داند، (Brogan and Others V. the UK, 1988) و این استدلال دیوان حکایت از این امر دارد که بازداشت کمتر از چهار روز می‌تواند مدت زمان معقول محسوب گردد، در غیر این صورت بازداشت غیرمعقول و برخلاف مقررات کنوانسیون است. بازداشت‌های طولانی مدت تحت قانون مبارزه علیه تروریسم در شرایط امنیتی بالایی صورت می‌گیرد و بازداشت‌شدگان در زندان‌های انگلستان از رفتارهای ظالمانه و غیرانسانی شکایت نموده‌اند که برای مدت‌های طولانی در انزوا بوده و از خدمات آموزشی، اجرای آداب مذهبی و ملاقات با دوستان و خانواده‌هایشان محروم شده‌اند و زمانی که آزاد می‌شوند از آسیب‌های روانی که طی بازداشت بر آن‌ها وارد شده رنج می‌برند (Human Rights Watch, 2003: 21). این امر با قاعده منع شکنجه و رفتارهای غیرانسانی که در ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق

۱. ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: تمتع از حقوق مقرر در این کنوانسیون باید بدون تبعیض از هر جهت از قبیل: جنس، نژاد، رنگ، زبان، مذهب، عقیده سیاسی، یا عقیده دیگر، اصلیت ملی یا اجتماعی، تعلق به اقلیت ملی، ثروت، تولد یا وضعیت دیگری تأمین شود.

بشر^۱ بر آن تأکید شده و یک قاعده آمره محسوب می‌شود در تعارض است، چرا که دولت تحت هیچ شرایطی نباید بازداشت بدون ملاقات و بازجویی در مکان‌های مخفی را فراهم کند و در طول مدتی که شخص تحت بازداشت می‌باشد باید با کرامت انسانی با وی رفتار شود. به طور خاص بازداشتگاه‌های امنیتی مکانی است که تروریست‌ها معمولاً تحت رژیم‌های سخت و خشن جهت جلوگیری از فرار، ارتباط با سازمان‌های تروریستی خارجی قرار می‌گیرند که انزوای طولانی مدت، محدودیت فضای موجود، کنترل‌های بی‌وقفه سمعی و بصری در این بازداشتگاه‌ها منجر به نقض ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شده است و این‌گونه رفتارهای غیرانسانی به‌طور آگاهانه بر اشخاص تحمیل می‌گردد (Report on counter Terrorism Measures and Human Rights, 2010: 14). از جمله مواردی که می‌توان به آن اشاره کرد "پرونده لطفی رئیسی"^۲ است که در آوریل ۲۰۰۲ دادگاه انگلستان رویه استرداد وی را متوقف نمود. رئیسی توسط وزیر کشور به عنوان مظنون به فعالیت‌های تروریستی و مشارکت در حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر شناخته شده بود و ایالات متحده آمریکا بارها وعده داده بود مدارکی مبنی بر این اتهام ارائه خواهد داد اما ناموفق ماند. نهایتاً رئیسی در فوریه ۲۰۰۲ پس از پنج ماه بازداشت تحت این قانون به قید وثیقه آزاد شد و دادگاه حکم نمود هیچ مدرکی دال بر حمایت از تأییدیه ظن به تروریستی بودن رئیسی وجود ندارد و مطابق نظر ناظران حقوق بشر، رئیسی به علت شرایط سخت زندان و فقدان دسترسی به مدارک ارائه شده علیه خود دچار آسیب روانی شدید شده است (Human Rights Watch, 2003:21).

مورد دیگر "پرونده محمود ابورده"^۳ است که طبق قانون تروریسم ۲۰۰۱ با وی برخورد گردید. نامبرده یک پناهنده فلسطینی در انگلستان از سال ۱۹۹۷ بود که به ظن فعالیت‌های تروریستی در زندان بلمارش در جنوب لندن در شرایط امنیتی بالا بازداشت شد و هر روز تحت بازجویی قرار می‌گرفت که این امر منجر به اختلالات روانی شدید در وی گردید و در ژوئیه ۲۰۰۲ به بیمارستان روانی منتقل شد (Amnesty International, 2010: 28) لذا روند بازداشت‌های نامحدود و طولانی مدت تأثیر بسیاری بر حقوق اساسی و تضمینات دادرسی عادلانه می‌گذارد که اساساً قابل انطباق با روند قابل اجرا در دعاوی کیفری نیست. به این دلیل که مظنونین بدون اتهام مشخص برای مدتی بازداشت و بدون اعطای فرصتی برای رد مدارکی که علیه آن‌ها طرح شده است، با

۱. ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: هیچ کس نباید تحت شکنجه و رفتار یا مجازات‌های غیر انسانی یا تزدیلی قرار گیرد.

2. Lotfi Raissi.

3. Mahmoud Abu Rideh.

آن‌ها برخورد می‌شود که این روند در کل غیرعادلانه و غیرمنصفانه است (House of Commons, 2003: 59).

ب) قانون پیشگیری از تروریسم ۲۰۰۵ انگلستان (PTA) و نقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

به علت تعارض رژیم بازداشت نامحدود مندرج در قانون ضد تروریسم ۲۰۰۱ با استانداردها و اصول حقوق بشری و اعمال تبعیض برای اتباع بیگانه، در ۱۱ مارس ۲۰۰۵ قانون پیشگیری از تروریسم تصویب شد.^۱ در این قانون محدودیت‌هایی بر آزادی و امنیت اشخاص مظنون به اعمال تروریستی تحت سیستم جدیدی به عنوان "دستور کنترل"^۲ جایگزین بخش چهارم قانون پیشین گردید. سیستم "دستور کنترل" یک سیاست خطرناک و غیرعادلانه‌ای است که وزیر کشور به بهانه حمایت افراد جامعه در برابر خطر تروریسم با توسل به آن طیف گسترده‌ای از محدودیت‌ها علیه اشخاص مظنون به تروریسم که وجود آن‌ها خطری برای حیات ملت به شمار می‌رود را اعمال می‌نماید. این محدودیت‌ها در بخش ۱ بند ۴ قانون بیان شده و عبارتند از: ممنوعیت یا محدودیت در به‌کارگیری کالاهای خاص، محدودیت در به‌کارگیری خدمات و تسهیلات، محدودیت در رابطه با شغل و اشخاص مشخص شده، ممنوعیت زندگی اشخاص مظنون در مناطق تعیین شده در زمان‌های معینه، ممنوعیت و محدودیت در سفر، محدودیت در استفاده از اینترنت و تلفن همراه و نصب فرستنده الکترونیک بر روی بدن افراد برای کنترل رفت و آمد آن‌ها که همگی این محدودیت‌ها بیان‌گر نادیده گرفتن حق آزادی و امنیت اشخاص می‌باشد (Prevention of Terrorism Act, 2005: Sec.1. Para.4). از مواردی که در پرتو "دستور کنترل" با اشخاص مظنون به تروریسم برخورد و حقوق بشر در رابطه با آن‌ها نقض شده مربوط به "قضیه JJ" می‌باشد. در این پرونده ۶ نفر به مدت ۱۸ ساعت در یک آپارتمان در منطقه‌ای نا آشنا تحت کنترل عبور و مرور بوده و به آن‌ها برجسب‌هایی الکترونیک که تا محدوده ۷۲ کیلومتر خارج از محل اقامتشان را مورد کنترل قرار می‌داد، نصب شده بود و در هر زمانی موقعیت‌شان مورد بازرسی و جستجو قرار می‌گرفت. در این پرونده در ۳۱ اکتبر ۲۰۰۷ مجلس لردها حکمی مبنی بر نقض ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و دستور کنترل صادر نمود. لرد بینگهام در این پرونده اظهار نمود: "قیاس زندگی اشخاص تحت "دستور کنترل" با زندان، قیاس مناسبی خواهد بود چرا که آن‌ها نمی‌توانند با دیگران در ارتباط بوده و از دسترسی به

1. Prevention of Terrorism Act 2005.

2. Control Order.

تسهیلات و امکانات کافی برخوردار باشند و این امر کاملاً ناسازگار با حق آزادی مندرج در ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است و وزیر کشور اختیار صدور چنین دستوراتی که مغایر با کنوانسیون مذکور باشد را ندارد".

لرد هافمن نیز تصریح نمود: "آزادی اشخاص بسیار ارزشمند می‌باشد و نباید قربانی حمایت از بقای دولت به دلیل تهدیدات تروریستی قرار گیرد" (Burt, 2010: 139-141). این نوع محرومیت از آزادی یک محرومیت صرف از زندگی نیست اما به معنای محرومیت از آزادی جسمانی است. سازمان عفو بین‌الملل نیز از شیوه‌های به کار گرفته شده انگلستان به نام مبارزه علیه تروریسم و حفظ امنیت ملی بارها انتقاد نموده است و خواستار لغو سیستم "دستور کنترل" به علت اعمال محدودیت‌هایی چون اقامت برای مدتی بین ۸ تا ۱۶ ساعت در شبانه روز در مناطق مشخص شده، محدودیت در استفاده از حساب‌های بانکی و سایر محدودیت‌های ناشی از دستورات کنترل که به نقض تعهدات حقوق بشری انگلستان انجامیده، شده است (Amnesty International, 2010: 5).

مستند دیگر این امر همان "پرونده محمود ابو رده" که پیش از این ذکر گردید می‌باشد، زیرا او پس از ۳ سال حبس در ۱۷ نوامبر ۲۰۰۵ تحت "دستور کنترل" قرار گرفت و طی ملاقاتش با نمایندگان سازمان عفو بین‌الملل از اقدامات مقامات انگلستان نسبت به خانواده‌اش ابراز نگرانی نمود و اعلام کرد که طی این سال‌ها هیچ مدرکی دال بر تروریست بودنش ارائه نشده و با او مثل یک جنایتکار رفتار شده است و تحت این دستور تمام ساعات در منزل بوده و حق ملاقات با خانواده و دوستانش را نداشته است و آن‌ها به جهت هراس از این که اسمشان به وزیر کشور داده شود با او در ارتباط نبوده‌اند (Amnesty International, 2006: 28).

ج) قانون تروریسم ۲۰۰۶ انگلستان (TA) و نقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر
پس از بمب‌گذاری انتحاری ۷ و ۲۱ جولای ۲۰۰۵ لندن، وزیر کشور اقدامات جدید و رویه سخت‌تری را در اعمال محدودیت آزادی افراد در مبارزه علیه تروریسم پیشنهاد داد. سیاست انگلستان در قانون تروریسم ۲۰۰۶^۱ به شکل وضع جرایم جدید به گونه‌ای دیگر نمایان شده است. این قانون علاوه بر این که اعمال مستقیم در فعالیت‌های تروریستی را جرم تلقی نموده، تشویق^۲ و تمجید فعالیت‌های تروریستی را به عنوان عملی مجرمانه معرفی کرده است.

1. Terrorism Act 2006.
2. Encouragement.

طبق بخش اول قانون، تشویق تروریسم عبارتست از انتشار بیانیهای برای تشویق مستقیم و غیرمستقیم بخشی یا همه اعضای جامعه که از آن ارتکاب، تدارک یا تحریک اعمال تروریستی درک می‌شود (TA 2006: Sec.1, Par.1-2). تمجید یا تکریم^۱ به ارتکاب چنین اعمالی چه در گذشته و آینده جرم شناخته می‌شود (TA 2006: Sec. 1, Para 3) و اشخاصی که به انتشار نشریات تروریستی، توزیع و پخش، فروش یا امانت و پیشنهاد فروش چنین نشریاتی اقدام می‌کنند و به ارائه خدماتی چون ارسال مطالب نشریات تروریستی به صورت الکترونیک می‌پردازند، خواه این اعمال به طور مستقیم یا غیرمستقیم برای تحریک، ارتکاب و همکاری در جرایم تروریستی صورت گیرد تحت عنوان مجرم تروریستی شناخته خواهند شد (TA 2006: Sec.2, Para.2).

جرم دیگر آموزش و ارائه دستورالعمل‌های مهارتی در ارتباط با ارتکاب اعمال تروریستی و دریافت این آموزش‌ها می‌باشد و آنچه معرف مهارت در قانون می‌باشد ساخت، طراحی، حمل یا به‌کارگیری مواد مضر و استفاده از هر روش و تکنیک برای انجام اهداف تروریستی می‌باشد (TA 2006: Sec. 2, Para 3). طرح این جرایم جدید در قانون اثر دلسردکننده‌ای بر آزادی بیان مطبوعات و دیگر اشخاصی که تمایل دارند دیدگاه‌های آن‌ها توسط عموم شنیده شود داشته است (Panel of Eminent Jurists on Terrorism, 2006: 7). حق آزادی بیان در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مشمول آزادی دارا بودن نظریات، دریافت و اشاعه اطلاعات و اندیشه‌ها بدون مداخله مراجع دولتی و قطع نظر از مرزها است.

در بند دوم این ماده محدودیت آزادی بیان در شرایطی که مصالح امنیت ملی، تمامیت ارضی، سلامت عمومی یا پیش‌گیری از جرم ضروری باشد اجازه داده شده است، اما این محدودیت باید به‌طور مضیق تفسیر شود چرا که در مبارزه علیه تروریسم و توسعه مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دو موضوع با این ماده مرتبط می‌شود: یکی سخنرانی که با نفرت و تحریک به خشونت باشد و دیگری اشاعه آن (Hedigan, 2005: 423). در موقعیت‌هایی که خشونت تحریک شده منجر به تهدید متداوم حیات ملت و امنیت مردم می‌گردد و طرفداران این خشونت به دنبال دسترسی به رسانه‌های عمومی برای اهداف تبلیغاتی هستند، ایجاد توازنی منصفانه میان الزامات حمایت از آزادی اطلاعات و ضرورت حفاظت از دولت و مردم در مقابل توطئه‌های صورت گرفته جهت براندازی نظام دموکراتیک که ضامن این آزادی و دیگر حقوق بشری است، کار مشکلی می‌باشد (Hedigan, 2005: 425).

اما زمانی که دولت تحریک به خشونت و تروریسم را قانوناً محدود می‌کند باید الزامات آن با حقوق شهروندی و این که هر شخص باید اطلاعات، نظریات و ایده‌هایی را دریافت و انتقال دهد، منطبق باشد و در اعمال هرگونه محدودیت به منظور امنیت ملی و پیش‌گیری از تروریسم باید آزادی بیان افراد تضمین شود (Panel of Eminent Jurists on Terrorism, 2006:8).

کمیته وزیران شورای اروپا یکی از چالش‌های بسیار مهم در طرح جرایم جدید را محدودیت آزادی بیان می‌داند. به همین منظور طی دستورالعملی در سال ۲۰۰۷ در حمایت از آزادی بیان و اطلاعات در زمان‌های بحرانی توصیه نمود: "دولت‌های عضو نباید از اصطلاحات مبهم در ایجاد محدودیت‌هایی برای آزادی بیان و اطلاعات در شرایط بحرانی استفاده نمایند.

تحریک به خشونت و اختلال عمومی باید به اندازه کافی و به طور واضح تعریف شده باشد". کمیته حقوق بشر سازمان ملل نیز با بررسی قانون تروریسم ۲۰۰۶، در سال ۲۰۰۸ خواستار تجدیدنظر قانون به علت ابهام آن شد. کمیته اظهار نگرانی نمود که جرم تشویق تروریسم در بخش اول قانون در مفهومی وسیع و مبهم تعریف شده است که به طور خاص فرد می‌تواند مرتکب جرم شود حتی زمانی که او قصد ندارد اعضای جامعه را به طور مستقیم یا غیرمستقیم با بیانیه‌اش به ارتکاب فعالیت‌های تروریستی تشویق نماید اما از بیانیه او توسط برخی از اعضای جامعه تشویق به ارتکاب چنین اعمالی درک می‌شود (UN Human Rights Committee, 2008: 71).

د) قانون مبارزه علیه تروریسم ۲۰۰۸ انگلستان (CTA) و نقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

قوانین انگلستان تا سال ۲۰۰۶ در پی پاسخ به یک واقعه تروریستی خاص وضع شده است. اما قانون ضدتروریسم که در ۲۶ نوامبر ۲۰۰۸ به تصویب پارلمان رسید^۱ بیشتر بر اقدامات و اختیارات مأموران اجرای قانون چون صلاحیت و اختیار پلیس در انتقال اسناد برای بررسی، اخذ اثر انگشت و نمونه‌ها، بازجویی پس از اتهام مظنونین تروریستی، تعقیب و مجازات جرایم تروریستی و پولشویی تأکید دارد. از مقررات جدیدی که در این قانون نسبت به قوانین پیشین ضدتروریسم به چشم می‌خورد مطرح نمودن اختیار اخذ و حفظ اثر انگشت و نمونه‌های دیگر که از بدن اشخاص حاصل می‌شود می‌باشد. اثر انگشت و کسب نمونه‌های شخصی و غیرشخصی برای اولین بار در بخش ۶۱ و ۶۳

1. Counter Terrorism Act 2008.

قانون پلیس و ادله کیفری ۱۹۸۴^۱ پیش‌بینی شد که در بخش ۱۰ قانون ضد تروریسم ۲۰۰۸ به پلیس اختیار اخذ اثر انگشت^۲ و نمونه‌های غیرشخصی^۳ بدون رضایت مقتضی شخص موضوع دستور کنترل اعطا شده است (CTA, 2008: Sec. 10, par. 1-2) و ممکن است این نمونه‌ها و اثر انگشت پس از این که شخص تحت دستور کنترل قانع گردید به چه اهدافی اخذ شده، نگهداری و حفظ شوند (CTA2008, sec10, para.4) که شاید این امر در ظاهر تعارضی با حقوق بشر نداشته باشد اما با مذاقه در رأی دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده مارپر این تعارض نمایان می‌گردد. ماجرا به این قرار بوده است: متهم اول آقای S در ۱۹ ژانویه ۲۰۰۱ به جهت اقدام در سرقت و متهم دوم آقای مایکل مارپر به اتهام آزار و اذیت شریک زندگی در ۱۳ مارس ۲۰۰۱ دستگیر شده بودند و قبل از بررسی دادگاه اثر انگشت و نمونه دی ان ای از آن‌ها اخذ شده بود. این دو نفر خواستار از بین رفتن نمونه‌های اتخاذی بودند اما پلیس امتناع نمود. به همین جهت آن‌ها برای تصمیم پلیس که نمونه‌های اثر انگشت و دی ان ای را از بین نبرده خواستار رسیدگی قضایی شدند (S and Marper V. the UK, 2008: paras 9-12). پس از بررسی این موضوع در ۲۲ جولای ۲۰۰۴ مجلس لردها درخواست تجدید نظر را رد نمود و لرد استین^۴ اظهار داشت که بخش ۶۴ قانون پلیس ۱۹۸۴ روشی که توسط پارلمان متعاقب ناآرامی‌های عمومی فراهم شده و در جایی که شخص تحت تعقیب نبوده و از جرم تبرئه‌شده نمونه‌ها از بین رفته و اطلاعات نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (S and Marper V. the UK, 2008: Para. 15) و صرف نگهداری نمونه دی ان ای و اثر انگشت تداخلی با حق حریم خصوصی و زندگی خانوادگی شخص ندارد و سئوالاتی که آیا در آینده حفظ نمونه می‌تواند مورد سوءاستفاده قرار گیرد یا نه با به‌کارگیری همزمان نمونه‌های مرتبط با بازرسی و تعقیب جرم ارتباطی ندارد (S and Marper V. the UK, 2008: Para.19) و او معتقد است که نمونه و اثر انگشت تنها برای اهداف محدود به بازرسی، تحقیق و تعقیب قانونی جرم حفظ می‌شوند و بدون مقایسه با نمونه‌های صحنه جرم مورد استفاده قرار نمی‌گیرد که در حقیقت توسعه اطلاعات با حفظ آن مزایای بسیاری در مبارزه علیه جرایم جدی داشته است (S and Marper V. the UK, 2008).

1. Police and Criminal Evidence Act1984, Sections.61-63.

2. Fingerprints.

3. Non-Intimate Sample.

نمونه بیرونی در قانون پلیس و مدارک جنایی ۱۹۸۴ به معنای نمونه از مو، ناخن و یا زیر ناخن، رد پا و یا هر بخشی از بدن شخص بجز دست خود شخص می‌باشد.

4. Lord Steyn.

(Para. 21). اما با مطرح شدن این پرونده در دیوان اروپایی حقوق بشر، دیوان در ۴ دسامبر ۲۰۰۸ نظر خود را اعلام و استدلال نمود که ماهیت اختیارات عمومی و حساب نشده در حفظ اثر انگشت، نمونه‌های سلولی و مشخصات دی ان ای اشخاص مظنون نه محکوم به جرایم نوعی عدم تعادل بین اهداف عمومی و منافع خصوصی می‌باشد که دولت از حد قابل قبول فراتر رفته و منجر به مسئولیت دولت گردیده است و لذا دخالت نامناسب در حریم خصوصی و زندگی اشخاص مغایر ضوابط یک جامعه دموکراتیک می‌باشد (S and Marper V. the UK, 2008: para.125). در نتیجه این امر تخلف از حق حریم خصوصی و زندگی خانوادگی مقرر در ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر محسوب می‌گردد (S and Marper V. the UK, 2008: Para. 126).

۳. اسپانیا و مبارزه علیه تروریسم

اسپانیا نیز سال‌های متمادی درگیر خشونت‌های سیاسی داخلی "باسک"^۱ و "اتا"^۲ بوده است. گروه "اتا" در سال ۱۹۵۹ با هدف مبارزه علیه نیروهای امنیتی اسپانیا، اشخاص نظامی و مقامات دولتی شکل گرفت. "اتا" با اقدامات خشونت بار به دنبال ایجاد یک دولت مستقل باسک در بخش‌هایی از شمال اسپانیا و جنوب فرانسه بود که منجر به مرگ ۸۰۰ نفر در سال ۱۹۶۰ شد و در سال ۱۹۸۷ با حمله به یک سوپرمارکت در بارسلون منجر به مرگ ۲۱ نفر شدند که از آن به بعد "اتا" به عنوان گروه تروریستی شناخته شد.

از سال ۱۹۷۵ دولت اسپانیا راهبردهای گوناگونی برای مبارزه با تهدید جدایی طلب باسک اتخاذ کرد. در اوایل سال ۱۹۸۰ تلاش‌هایی در جهت مبارزه با خشونت‌های اعضای مظنون به گروه "اتا" توسط گروه‌های ضدتروریسم صورت گرفت که بین سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۷ این گروه‌ها با تأمین مالی توسط (صندوق مخفی دولت) وزارت کشور ۲۷ نفر را کشتند که دست کم نه نفر از آن‌ها هیچ پیوندی با گروه "اتا" نداشتند (Dorling, 2007: 5). رویکرد کلی اسپانیا در برخورد با تروریسم تنظیم و تدوین جرایم مرتبط تروریستی در قانون کیفری و ایجاد مقررات در قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد.

اسپانیا از طریق دستگاه قضایی و تعیین مجازات در قانون کیفری و آیین دادرسی کیفری با تروریسم مبارزه می‌کند. ماده ۵۷۱ قانون کیفری اسپانیا تروریست‌ها

1. Basque
2. Eta

را چنین تعریف می‌کند: "کسانی که متعلق یا در خدمت گروه‌های سازمان‌یافته مسلح بوده و یا با آنها همکاری می‌کنند و هدف آنها تغییر قانون اساسی یا برهم زدن نظم عمومی است".

در مواد دیگر به حمله با مواد منفجره به ساختمان‌ها و وسایل حمل و نقل که منجر به صدمه یا مرگ شود اشاره می‌کند. اسپانیا در جرایم تروریستی مجازات‌های سخت‌گیرانه‌تری نسبت به جرایم معمول در نظر گرفته است. در این قانون برای اقدامات تروریست‌ها مجازاتی به شرح ذیل مقرر شده است:

- عضویت در باندهای مسلح یا سازمان‌های تروریستی ۱۲-۶ سال حبس؛
 - تشویق و هدایت باندهای مسلح و سازمان‌های تروریستی ۱۴-۸ سال حبس؛
 - قتل‌های تروریستی ۳۰-۲۰ سال حبس؛
 - در هر مورد شخصی که به دو یا چند جرم تروریستی مرتکب شود ۴۰ سال حبس خواهد بود (The European Commission, 2008: 11). دادگاه‌های اسپانیا نسبت به پرونده‌های تروریستی که توسط اتباع اسپانیایی و خارجی در خارج از قلمرو ملی مرتکب می‌شوند صلاحیت دارد (Interpol, 2010).
- دیوان عالی دارای ویژگی امنیتی به‌خصوص در موارد "اتا" می‌باشد. در قانون کیفری اسپانیا رسیدگی به صورت محرمانه بدون دسترسی به مدارک جز برای کسب اطلاعات در قرار بازداشت اولیه صورت نمی‌گیرد؛ اقدامات اسپانیا مانع حق دفاع مناسب برای فرد بازداشت شده می‌باشد.
- بر اساس بند ۲ اصل ۱۷ قانون اساسی، مدت بازداشت موقت نمی‌تواند بیش از زمان مورد نیاز برای انجام بازپرسی‌ها و یا حداکثر بیش از ۷۲ ساعت باشد و فرد بازداشت شده پس از این مدت یا آزاد شده و یا در اختیار مراجع قضایی قرار می‌گیرد. در بند ۲ اصل ۵۵، حدود و نوع معلق نمودن حقوق شناخته‌شده در بند ۲ اصل ۱۷ را برای افراد مشخص در باندهای مسلح و تروریستی با انجام تحقیقات کافی و با حکم قضایی و کنترل پارلمانی معین می‌سازد (متن کامل قانون اساسی اسپانیا مصوب ۱۹۷۸، سفارت جمهوری اسلامی ایران مادرید، ۱۳۷۴).

الف) اسپانیا و نقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

اسپانیا به جهت موقعیت جغرافیایی خود در سهولت سفر به دیگر کشورهای اروپایی و دارا بودن جمعیت قابل توجهی از مهاجران شمال آفریقا به بستر مناسبی برای فعالیت گروه‌های تروریستی در غرب اروپا تبدیل گشته است. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، مبارزات

بین‌المللی علیه تروریسم بهانه‌ای برای مقامات اسپانیایی برای برخورد با جدایی‌طلبان و حامیان جنبش‌های استقلال طلبانه را فراهم کرد و سریعاً با صدور بیانیه‌ای عمومی به کنترل سخت‌گیرانه‌تری در مورد مهاجرت پرداختند و بیش از ۱۵ نفر مظنون به اعمال تروریستی که متعلق به اعضای "اتا" بودند تحت قانون اسپانیا بازداشت شدند. اما اقدامی که توسط اسپانیا در سال ۲۰۰۳ صورت گرفت تعطیل تنها روزنامه به زبان باسکی به نام (Euskaldunon Egunkaria) و دستگیری ۱۰ نفر در ارتباط با این روزنامه و بازداشت انفرادی آن‌ها بود که این اقدام در حقیقت نقض حق آزادی بیان در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌باشد (Human Rights Watch, 2003: 20).

اسپانیا پس از بمب‌گذاری مادرید در ۱۱ مارس ۲۰۰۴ دو اولویت را در مبارزه با تروریسم مد نظر قرار داد: اولین اولویت، اولویت سازمانی به معنای ساماندهی و هماهنگی نهادهای امنیتی و اطلاعاتی در افزایش کارایی خود در برخورد با تروریسم بین‌المللی بود. اولویت دوم، اولویت قانونی در به روز رسانی قوانین ضدتروریستی در اسپانیا منطبق با قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا با هدف ایجاد یک مرجع تخصصی در زمینه مبارزه با تروریسم در داخل سیستم قضایی بود (The European Commission, 2008:9).

یکی از مسائل مهم در حین مبارزه با تروریسم در اسپانیا "بازداشت انفرادی"^۲ می‌باشد که منجر به نقض ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شده است. در این رویکرد فرد برای مدتی نامعین بدون محاکمه و دادرسی تحت بازداشت انفرادی قرار می‌گیرد. کمیته پیش‌گیری از شکنجه و بدرفتاری نیز به این نکته اشاره کرده که پنج روز بازداشت بدون ارتباط ممکن است در انطباق با تعهدات بین‌المللی اسپانیا نباشد و بازداشت‌شدگان باید قبل از این که تصمیم گرفته شود این دوره فراتر از ۷۲ ساعت پیش رود نزد قاضی هدایت شوند (European Committee, 2001: para. 24).

کاربرد این رژیم استثنایی نه تنها مستلزم خطر رفتارهای ممنوع شده است بلکه منجر به آسیب‌پذیری اسپانیا در اتهام به شکنجه و ضعف مشروعیت در اقدامات ضدتروریستی می‌گردد.

۱. ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: هرکس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی دارا بودن نظریات و دریافت و اشاعه اطلاعات و اندیشه‌ها بدون مداخله مراجع دولتی و قطع نظر از مرزها است. این ماده مانع از آن نخواهد بود که دولت‌ها مؤسسات رسانه‌ای، تلویزیونی و سینمایی را ملزم به اخذ پروانه کنند.

2. Incommunicado Detention.

مسئله دیگر استردادی است که طی آن خطر شکنجه و رفتارهای غیر انسانی وجود دارد. در اینجا می‌توان به دستگیری "علی آراس"^۱ که در ۱ آوریل ۲۰۰۸ به اتهام جرایم مرتبط تروریستی در شهر ملیله تحت سیطره اسپانیا براساس حکم بازداشت بین‌المللی که توسط مراکش صادر شده بود و در تاریخ ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ توسط سازمان عفو بین‌الملل گزارش شد، اشاره کرد. علی آراس، توسط مقامات اسپانیایی، به همکاری با شبکه تروریستی "عبدالقادر بلیراج"^۲ متهم شد که وی محکوم به حبس ابد به علت اتهام برنامه ریزی اقدامات تروریستی در مراکش می‌باشد. در این پرونده اسپانیا به زور اقدام به استرداد وی به مراکش کرد در حالی که خطر سوء رفتار با وی وجود داشت. سازمان عفو بین‌الملل تصمیم مقامات اسپانیایی را در استرداد به زور شخص به مراکش که در معرض خطر شکنجه، حبس انفرادی و محاکمه ناعادلانه بوده، محکوم کرد. این رفتار اسپانیا در واقع نقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌باشد (Amnesty International, 2010).

ب) محدودیت در رابطه با حق مشاوره قضایی و اخذ وکیل

در اصل ۱۷(۳) قانون اساسی اسپانیا بیان شده در صورت بازداشت شخص، بلافاصله باید به متهم دلایل بازداشت را تفهیم نمود و متهم را نمی‌توان مجبور به اقرار کرد و حق حضور وکیل در دستگاه‌های قضایی و انتظامی براساس قانون تضمین خواهد شد. مقررات مبارزه با تروریسم در قانون آئین دادرسی کیفری اسپانیا محدودیت‌های جدی را بر حق داشتن وکیل برای بازداشت شدگان انفرادی بدون ملاقات تحمیل می‌کند. بر اساس ماده ۵۲۰ (۲) آئین دادرسی کیفری اسپانیا، افراد بازداشت و یا دستگیر شده توسط پلیس حق دارند وکیل انتخاب کنند. لیکن این حق در ماده ۵۲۷ (a) در رابطه با مظنونین به عمل تروریستی و کسانی که در بازداشت انفرادی نگهداری می‌شوند با محدودیت روبرو می‌گردد به نحوی که آن‌ها حق انتخاب وکیل ندارند و برای وکلا نیز حق ارتباط خصوصی با موکل وجود ندارد (Human Rights Committee, 2010: 3). اگر این گمان وجود داشته باشد که ارتباط فرد بازداشت شده با دنیای خارج عواقبی دربر دارد و یا باعث بروز مشکلاتی در بازپرسی و جمع‌آوری شواهد می‌شود، می‌توانند وی را بدون امکان رابطه با خارج از زندان، در بازداشت نگاه دارند و برای مشاوره حقوقی یک وکیل تسخیری برای او در نظر بگیرند، نه وکیلی که خود انتخاب کند (Dorling, 2007: 13). در بازدید کمیته پیشگیری از شکنجه از اسپانیا چند مورد اتهامات معتبر از بدرفتاری با

1. Ali Aarrass
2. Abdelkader Belliraj

بازداشت شدگان احراز شده که برای ۲۲ ساعت و یا بیشتر حق دسترسی به وکیل نداشتند (Human Rights Committee, 2010:4). برخی از اسناد و شواهد پرونده‌ها آنچنان محرمانه هستند که در واقع وکلا نمی‌دانند موکلشان بنا به چه دلایلی دستگیر شده‌اند. این بازداشت‌شدگان حق ملاقات با وکیل را در خارج از زندان ندارند و فقط زمانی که توسط اداره پلیس احضار می‌شوند و ممکن است پس از سه تا پنج روز که در بازداشت بوده‌اند برای آنها فراهم شود. آن‌ها حق ندارند در هر زمانی به طور خصوصی با وکلای خود مشورت کنند. علی‌رغم این که کمیته حقوق بشر حق مشورت را شامل حق صحبت به طور خصوصی با وکیل خود اعلام می‌دارد (Dorling, 2007: 15) بدین شکل وکلا بیشتر به یک شاهد ساکت تبدیل می‌شوند. همان طور که در "پرونده علی آراس" بیان شد وکلای وی به‌طور رسمی از مسئله استرداد مطلع نشده و از وضعیت وی از بدو ورودش به مراکش و نگهداری او خبری نداشتند و به مقامات عفو بین‌الملل و پلیس بین‌الملل بیان نمودند که شورای وزیران اسپانیا در همان زمان از استرداد "محمدالبای"^۱ مردی که همزمان با علی آراس بازداشت شده بود و هر دو از شهروندان اسپانیا-مراکش بوده خودداری کردند. در این زمینه، سازمان عفو بین‌الملل (۲۰۱۰) معتقد است "هیچ مدرکی از دخالت علی آراس در فعالیت‌های تروریستی وجود ندارد و این استرداد براساس سوءظن کافی صورت نگرفته و اعتقادی به عدالت و انصاف اسپانیا وجود ندارد" (Amnesty International, 2010).

ج) محدودیت حق دسترسی به مترجم

براساس بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هر کس که به جرمی متهم می‌شود باید فوراً و دقیقاً از ماهیت و علت اتهام علیه خود به زبانی که درک می‌کند مطلع شود. چنانچه در صحبت کردن، خواندن و درک اسناد و مدارک و زبان دادگاه دچار مشکل باشد، حق دارد از مساعدت مترجم واجد صلاحیت و رایگان برخوردار باشد. این حق به او امکان کافی برای اقامه دعوی و تهیه دفاعیه از خود را می‌دهد. لذا حق داشتن مترجم و فهمیدن زبان دادگاه پیش شرط اصلی حق دادرسی عادلانه و از حقوق متهم است. حق برخوردارگی از مترجم در تمام مراحل دادرسی از جمله در طول بازجویی‌های پلیس و تحقیقات اولیه اعمال می‌شود.

باتوجه به بند ۳ (ه) ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر استفاده از مترجم به صورت رایگان شناخته شده است. زمانی که شخص باید از حق مترجم رایگان بهره‌مند شود و محکوم به پرداخت هزینه گردد نقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر محسوب

1. Mohammed El Bay

می‌گردد. دیده‌بان حقوق بشر معتقد است تمام اتباع خارجی متهم به مشارکت در بمب‌گذاری مادرید هنگامی که تحت بازداشت پلیس بودند در زمان تکمیل اظهارنامه به مترجم دسترسی نداشتند (Human Rights Watch, 2005: 38).

گروه کاری شورای حقوق بشر از دولت اسپانیا در خواست نموده است تا اقدامات قانونی و عملی لازم را جهت پایان بخشیدن به رویه بازداشت انفرادی به عمل آورد و برای حصول اطمینان از دسترسی فوری، منظم و محرمانه بازداشت شدگان با وکیل انتخابی خود، دسترسی به مشاوره پزشکی مستقل حتی برای اشخاصی که متهم به جرایم مرتبط تروریستی هستند و اطمینان از تصمیماتی که به منظور حمایت از زندانی قبل از دادگاه اتخاذ می‌شود، قوانین کیفری خود را اصلاح نماید (United Nations Human Rights Council, 2010: 3).

نتیجه‌گیری

مبارزه با تروریسم از گذشته‌های دور در انگلستان و اسپانیا در حیطه مرزهای داخلی وجود داشته است و با بروز تروریسم بین‌الملل، انگلستان و اسپانیا ضمن ادعای رعایت مقررات حقوق بشر، خود را از پیشگامان مبارزه با تروریسم می‌دانند. اما فی‌الواقع برخورد این دو کشور با تروریسم تشدید نوعی از نقض مقررات حقوق بشری را به همراه داشته است، زیرا مظنونان و متهمان به اعمال تروریستی در این دو کشور از حمایت‌های قانونی لازم برخوردار نبوده‌اند. انگلستان با قانون‌گذاری مستقل در زمینه مبارزه با تروریسم از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ به صورت مختلف به نام مبارزه با تروریسم حقوق افراد را نادیده انگاشته و اسپانیا نیز اگر چه قوانین خاص ضدتروریسم وضع نموده است اما در قانون کیفری و آیین دادرسی کیفری با اعمال محدودیت بر مظنونین تروریستی حقوق تضمین شده افراد در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را نقض نموده است. حقوق افراد مظنون به اعمال تروریستی هر روزه زیر پا گذاشته می‌شود و از حداقل حمایت حقوق بشر نیز برخوردار نمی‌باشند و قرار دادن مظنونین به تروریسم خارج از حمایت سیستم قانونی چه از نظر تئوری و چه عملی، نقض آشکار کنوانسیون اروپایی حقوق بشر محسوب می‌گردد. در نهایت آنچه به عنوان راهکارهای مقابله با مشکل نقض حقوق بشر در حین مبارزه با تروریسم به نظر می‌رسد:

- وجود کنوانسیون جامع حقوقی مبارزه با تروریسم که در بطن آن حقوق افراد با ضمانت اجرا در نظر گرفته شده و دولت‌ها در تصویب و اجرای قوانین داخلی ملزم به همسویی با کنوانسیون بدون هیچ گونه ارجحیت قوانین داخلی بر بین‌المللی باشند؛

- لزوم رفع تبعیض و تناقضها در قوانین اجرایی و عملی کشورها در قبال تروریسم و رعایت اصول و استانداردهای حقوق بشری؛
- حضور فعال تر سازمانهای حقوق بشری و بازدیدهای متناوب از رویه‌های عملی کشورها در راستای مبارزه با تروریسم نقش به‌سزایی در افشای حقایق خواهد داشت، چرا که این‌گونه سازمانها با محکوم‌نمودن اعمال ضد انسانی اجازه نخواهند داد مسئله حقوق بشر به بهانه حفظ امنیت ملی مورد سوءاستفاده دولت‌ها قرار گیرد.

منابع

۱. متن کامل قانون اساسی اسپانیا مصوب ۱۹۷۸، سفارت جمهوری اسلامی ایران مادرید، ۱۳۷۴.

2. Council of Europe, **The Fight against Terrorism Council of Europe Standards**, Strasbourg, 2007.

Articles

3. Breaux, Susan, Livingstone, Stephen, Oconell, Rory, (2010) "Anti-Terrorism Law and Human Rights in the United Kingdom Post September 11", **Human Rights Center, Queens University Belfast**, Available at: <<http://www.britishcouncil.org>>access 12 sep2010.

4. Burt, Matthew, "Control Orders post 9-11 and Human Rights in the United Kingdom, Australia and Canada: A Kafkaesque Dilemma", **Deakin Law Review**, Vol.15, No.2, 2010.

5. Clarke, Michael, Soria, Valentina, "Terrorism in the United Kingdom Confirming its Modus Operandi", **Journal Royal United Services Institute (RUSI)**, Vol.154, No. 3, 2009.

6. DeZayas, Alfered, "Human Rights and Indefinite Detention", **International Review of Red Cross (I.R.R.C)**, Vol.87, No.857, 2005.

7. Dorling, Kamena, "An Exceptional Situation? A Comparative Assessment of Ant-Terrorism Arrest and Detention Powers in the UK and Spain and of Their Compliance With the European Convention of Human Rights", **Essex Human Rights Review**, Vol. 4, No.1, 2007.

8. Hanlon, Laraine, "UK Anti-Terrorism Legislation: Still Disproportionate?", **The International Journal Of Human Rights**, Vol.11, No.4, 2007.

9. Hedigan, John, "The European Convention on Human Rights and Counter-Terrorism", **Fordham International Law Journal**, Vol.28, Issue.2, 2005.

Documents

10. Anti Terrorism, Crime and Security 2001. Available at: <http://www.epic.org/privacy/terrorism/ata_2001-text.sdf>

11. Counter Terrorism Act 2008. Available at:
<<http://legislation.gov.uk/ukpre/2--8/contents.>>
12. European Convention on Human Rights and Duties, Adopted 1950. Available at:<<http://www.hri.org/docs/ECHR50.htm>>
13. Guidelines on Human Rights and Fight against Terrorism, Council of Europe, Directorate General of Human Rights, 11 July 2002 .Available at:
<http://book.coe.int/sysmodules/RBS_Fichier/admin/download.php>
14. Guidelines of the Committee of Ministers on Protecting Freedom of Expression and Information in Times of Crises, 26september 2007. Available at:
<<http://www.lumn.edu/humanrts/>>
15. Police and Criminal Evidence Act 1984. Available at:
<<http://www.legilation.gov.uk/ukpge/1984/60/contents>>
16. Prevention of Terrorism Act 2005 Available at:
<<http://www.legislation.gov.uk/ukpge/2005/2/contents>>
17. Terrorism Act 2000. Available at:
<<http://www.legilation.gov.uk/ukpge/2000/11/content>>
18. Terrorism Act 2006. Available at:
<<http://www.belt.es/legislation/vigente/sp-pcivil/spublica/pdf/ley-inglesa.pdf>>

Cases

19. Brogan and others V The United Kingdom, Application No.11209/84,11234/84,11266/84,11386/85, 29 November1988.
20. Gillan and Quinton V. The United Kingdom, Application No. 4158/05, 12 Jan 2010.
21. S and Marper V. The United Kingdom, Application, No. 30562/04,30566/04, 4 December 2008.

Reports

22. Amnesty International, (2010) Report Moroccan Man Forcibly Returned by Spain Could Face Torture, 17 December 2010, Available at :
<http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/spain-forcibly-returns-moroccan-man-risk-torture-2010-12-17>.
23. Amnesty International, (2006) United Kingdom Human Rights: A Broken Promise, EUR45/004/2006, 23 Feb 2006. Available at:
<<http://www.amesty.org/en/library/info/EUR45/004/2006>>
24. Amnesty International, United Kingdom: Submission for the Review of Counter-Terrorism and Security Powers, EUR 45/015/2010, 6 September 2010. Available at:
<<http://www.amnesty.org/en/library/info/EUR45/015/2010>>
25. European Commission for Democracy through Law (Venice Commission), Report on Counter- Terrorism Measures and Human Rights, its 83rd Plenary Session, 4 June 2010.
26. House of Commons, Privy Counsellor Review Committee Anti-Terrorism, Crime and Security Act2001Review: Report, 2003.

27. Human Rights Watch Briefing Paper for the 59th Session at the United Nations Commission on Human Rights, March 25, 2003. . Available at: <<http://www.Publicwhip.org.uk/division.php?date=2004-02-25>>
28. Human Rights Watch (2003), In The Name of Counter-Terrorism: Human Rights Abuses World Wide, 25 March 2003, Available at: <<http://www.hrw.org>>
29. Human Rights Watch (2005), Setting an Example? Counter-Terrorism Measures in Spain, 2005, available at: <www.libertysecurity.org/IMG/pdf/HRW-Report-spain.pdf>
30. Human Rights Watch Submission to the Home Office Review of Counter Terrorism Powers, 1 August 2010, Available at: <http://www.hrw.org/en/news/2010/09/human-rights-watch-submission-home-office-review-counter-terrorism-powers>
31. Human Rights Watch (2010) , Without Suspicion Stop and Search under the Terrorism Act 2000, July 2010.
32. Report of the Human Rights Committee, UN Human Rights Committee, Ninety-third Session No.40,A/63/40, from 7-25 July 2008.
33. Report to the Spanish Government on the Visit to Spain Carried out by the European Committee for the Prevention of Torture and Inhuman Treatment of Punishment (CPT) From 22 to 26 July 2001. Cpt/ inf (2003)22.
34. Report of the Special Rapporteur on the Promotion and Protection of Human Rights and Fundamental Freedom While Counter Terrorism, Human Rights Council, 28 December 2009.
35. Submission to ICJ Panel of Eminent Jurists on Terrorism, Counter-Terrorism and Human Rights, The Impact of UK Anti-Terror Laws on Freedom of Expression, London, April 2006.
36. The European Commission under the Sixth Framework Programme, Case Study: Spain The Ethical Justness of Counter-Terrorism Measures, 27 October 2008.
37. United Nations Human Rights Council 8th Session of the Working Group on Universal Periodic Review, 3-14 May 2010.